بسم‌الله الرحمن الرحیم

فهرست مطالب:

[آیه نفی اکراه 1](#_Toc427995978)

[جمع‌بندی 1](#_Toc427995979)

[بررسی احتمالات باقی‌مانده 2](#_Toc427995980)

[نتیجه‌گیری 2](#_Toc427995981)

[عبارت علامه در المیزان 3](#_Toc427995982)

# آیه نفی اکراه

در قبال آیه نفی اکراه احتمالاتی مطرح شد و به وجوه ضعف یا قوت هرکدام از آن‌ها پرداخته شد. برخی احتمال داده‌اند که حقیقت افراط حمل آن بر عمل مفرطانه است که این حمل نیازمند به قرینه ایست که در اینجا مفقود است. لذا این احتمال که درواقع احتمال سیزدهم بود کنار خواهد رفت. و احتمال چهاردهم این است که در اینجا نهی بر اکراه به معنای نهی بر اکراه بر شهادتین است.

البته می‌توان این احتمال را به ظواهر دینی چه شهادتین و چه سایر مناسک تعمیم داد.

# جمع‌بندی

به‌عنوان جمع‌بندی، بسیاری از احتمالات گذشته به خاطر خلاف ظاهر بودن آن‌ها کنار رفتند و معمول آن‌ها نیازمند به قرینه بود که در آیه شریفه وجود نداشت. امر در اینجا تنها دایر مدار بین سه احتمال است؛

یکی اینکه مراد این باشد که خداوند می‌فرماید ما برای تدین شما اجبار نمی‌کنیم و عرصه انتخاب را بر شما نمی‌بندیم. احتمال دوم این است که جمله خبری توصیفی باشد و اشاره به قانونی روان‌شناختی دارد که اکراه در امور قلبی جای ندارد.

احتمال سوم نیز بدین‌صورت بود که آیه حمل بر انشاء شود و مراد از نفی در اینجا در حقیقت نهی باشد و منظور از اکراه، اکراه انسان‌ها نسبت به یکدیگر و مراد از دین همان ظواهر دینی باشد.

## بررسی احتمالات باقی‌مانده

در این میان باید گفت که مراد از نفی در آیه نهی نیست. چراکه این امری مجازی است و نیازمند قرینه است که در اینجا این قرینه موجود نیست.

نکته دوم در اینجا این است که مراد از دین حقیقت آن است که همان معتقدات قلبی باشد، لذا احتمال ظاهر دین کنار می‌رود.

**«إِنَّ الدِّینَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلامُ»[[1]](#footnote-1)**

یعنی حقیقت دین تنها نزد خداوند همان اسلام است. و به قرینه ادامه آیه مشخص می‌شود که دین از مقوله رشد در مقابل غی است و ظاهر دین رشد نیست، بلکه همان حقیقت دین و توحید است که رشد است. علاوه بر اینکه تفریع موجود در ادامه آیه که با فاء بیان‌شده است نشان می‌دهد که مراد از دین در اینجا همان حقیقت دین است.

همچنان که قرائن دیگری نیز در آیه است که این امر را بیش‌ازپیش تقویت می‌کند.

## نتیجه‌گیری

آنچه در این میان باقی می‌ماند این است که مراد از اکراه در قبال خداوند باشد که دین و تعامل او با عباد تابع جبری نیست و اینکه هیچ‌کدام از افراد نیز نمی‌توانند دیگری را بر کاری اکراه کنند. ظاهر امر این است که جامعی بین این دو مقصود باشد. لذا ازاین‌جهت در آیه شریفه اطلاق وجود دارد. و این اکراه مربوط به بخشی از شریعت است که در آن نمی‌تواند اکراه صورت بگیرد که همان معتقدات قلبی است.

مقصود از دین نیز همان دین محقق است که جمیع ما انزل الله را دربر می‌گیرد. علامه نیز در المیزان بین دو احتمال گفته‌شده جمع کردند و پس‌ازآن بحث را رسانده‌اند به اینکه اسلام بازور شمشیر گسترش نیافته است.

## عبارت علامه در المیزان

عبارت ایشان در المیزان دراین‌باره این است که؛

این آیه اگر خبری باشد نیز حکمی انشایی تولید می‌کند و اگر انشایی باشد باز متکی بر قانونی تکوینی است.

1. **- 19/آل عمران.** [↑](#footnote-ref-1)